

## راهکارهای مقابله با استهزاء و تمسخر از دیدگاه قرآن و

### حدیث

محمدحسین حسین‌پور<sup>۱</sup>

سید علی نعمتی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

استهزاء و تمسخر کردن به عنوان یک عمل غیر اخلاقی و نیز ضد دینی می‌تواند به دین و جامعه اسلامی و اعتقادات اسلامی ضربه بزند. برای پرهیز از آثار سوء این عمل زشت، قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام راهکارهای مقابله و مبارزه بسیار دقیق و مؤثری بیان کرده‌اند. این راهکارها به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند؛ راهکارهای خلاصی و رها شدن مؤمنان از ارتکاب این رفتار غیر اخلاقی و راهکارهای پاسخگویی و عکس‌العمل نشان دادن به دشمنانی که به استهزاء و تمسخر مؤمنان می‌پردازند. بخش دوم خود به دو قسمت آمادگی‌های روحی در مقابله با استهزاءگران و رفتارهای عملی مشخص در مبارزه با تمسخر تقسیم می‌شود. برای رها شدن مؤمنان از عمل استهزاء علمای عمل اخلاق راه‌هایی همچون توجه به عذاب اخروی گناهان به خصوص استهزاء، خود را جای دیگران قرار دادن و توجه به عیوب خودمان و رها کردن عیوب دیگران را پیشنهاد داده‌اند. برای مقابله با استهزاء دشمنان نیز این آمادگی‌های روحی لازم است: الگوگیری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیاء الهی، توجه به آزار و اذیت‌هایی که دشمنان متحمل می‌شوند، توجه به اینکه که تمسخر هم نوعی آزمایش الهی است و نیز توجه به رستگاری نهایی مؤمنان. راهکارهای عملی مقابله با استهزاء، حکیمانه سخن گفتن، رفتار مسالمت‌آمیز و پرهیز از جنجال، پند و اندرز دادن دلسوزانه، دور شدن از مجلس استهزاء، دشمنی با استهزاءکنندگان و در نهایت صبر و استقامت مضاعف در راه خداوند متعال است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، حدیث، استهزاء، تمسخر، راهکارهای مقابله، روان‌شناسی،

دشمن‌شناسی، صبر.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث و مدرس جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه نمایندگی خراسان

۲. دکترای تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه نمایندگی خراسان

## مقدمه

دین مبین اسلام به عنوان یگانه پرچم‌دار فرهنگ و معنویت در زمان معاصر، رهنودهای فراوانی در رابطه به فرهنگ تعامل و گفتگو و کنش و واکنش‌ها رفتاری، اجتماعی دار، قطعاً بخشی از این معارف در زمینه آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی درباره نوع سخن گفتن و گفتار مؤمنان در اجتماع اسلامی است.

نمونه‌ای از این آفات و آسیب‌های گفتاری و زبانی استهزاء و تمسخر است. استهزاء به معنی مسخره کردن است و عبارت است از بیان کردن گفتار، کردار و یا اوصاف ظاهری و یا باطنی افراد به وسیله قول یا فعل یا اشاره و یا کنایه به گونه‌ای که باعث خنده دیگران شود و سرچشمه آن همان حس خود برتربینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگ‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است. بیشتر انسان‌ها به دلیل برخورداری از ارزش‌های ظاهری و مادی، می‌پندارند از دیگران برترند و از این رو آنان را حقیر می‌شمارند و مسخره می‌کنند. (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۱۷)

دامنه زشتی این عمل هم فرد استهزاء کننده و هم فردی که مورد استهزاء قرار می‌گیرد و هم دیگرانی را که شاهد و ناظر این ماجرا هستند شامل می‌شود و بر همگان لازم و واجب است که بدانند چگونه باید در برابر این عمل زشت ساکت و منفعل نباشند و با آن مقابله و مبارزه کنند و هم اینکه اگر این عمل زشت در وجودشان به عنوان یک رذیله اخلاقی نهادینه شده باشد. چگونه آن را رها کنند.

قطعاً معارف و شریعت اسلامی راهکارهای بسیار مؤثر و عملی در مقابله با این عمل شنیع و ناپسند ارائه کرده است که بر محقق و متتبع لازم است با جستجو و استقراء و تبیین این راهکارهای سودمند، قدمی مهم در پیشبرد فرهنگ و تمدن اجتماع اسلامی بردارد.

نکته قابل توجه آن است که این راهکارها هم برای افرادی است که خدای نکرده مرتکب و گرفتار این رذیله اخلاقی و گناه بزرگ هستند و درصدد رفع آن برآمده اند و هم مفید برای کسانی که با عمل استهزاء و تمسخر از طرف دیگران روبه‌رو شده اند و می‌خواهند بدانند که چگونه باید با آن مقابله کنند و یا عکس العمل نشان دهند. آیا باید در مقابل تمسخر مسخره کنندگان سکوت کرد؟ یا آنکه با زبان نرم و ملایم آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر نمود؟ و یا اینکه مقابله به مثل نمود و ما هم طرف مقابل را به

باد تمسخر و استهزاء بگیریم؟ این‌ها سؤالاتی اصلی است که در این مقاله در صدد پاسخ به آن‌ها هستیم.

### ۱. راهکارهای پرهیز از استهزای دیگران

استهزاء و تمسخر را به دو صورت می‌توان نگاه کرد و برای گریز از آن راهکار و راه حل در نظر گرفت زیرا گاهی یک عمل غیر اخلاقی است که توسط مؤمنان خام و کمال نیافته انجام می‌شود و به دلایل مختلف فردی که دشمن نیست دست به این عمل ناپسند می‌زند، اما در بسیاری از موارد این عمل به عنوان یک حربه و وسیله‌ای خطرناک در دست دشمنان دین و اعتقادات ما قرار می‌گیرد و از آن برای ضربه زدن به دین و دین‌داران استفاده شده و به عنوان مانع رشد و پرورش عقلانیت در جوامع دینی تعریف می‌شود.

واضح و مشخص است که راهکارهای مبارزه و رهایی از هر یک از دو عنوان فوق با هم متفاوت خواهد بود و هر کدام راه حل جداگانه‌ای را می‌طلبد. در این بخش به راهکارهای مربوط به مقابله با استهزاء به عنوان عمل غیر اخلاقی و درون دینی می‌پردازیم؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم که چه کنیم که خود ما به این گناه بزرگ مبتلا و دچار نشویم.

منظور ما از این راهکارها، یک سری تذکرات مهم و کلیدی و پایه‌ای برای ترک بسیاری از گناهان و رذایل اخلاقی می‌باشد که توسط مفسران قرآن کریم و فقیهان روایات معصومین علیهم‌السلام و طبیبان بیماری‌های روحی انسان یعنی علمای علم اخلاق بیان شده است. این مطالب مهم، هم مسائل اعتقادی و نظری را در بر می‌گیرد و راهکارهای خاص عملی را شامل می‌شود.

### ۱.۱. توجه به عذاب‌های اخروی گناه

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟! این جمله‌ای است که زیاد شنیده‌ایم اما کمتر به آن توجه شده است. اگر عاقل قبل از انجام کارها ابتدا در مورد آن‌ها خوب بیاندیشد و آثار و نتایج آن‌ها را بررسی نماید ممکن است خیلی از کارها را انجام ندهد و در نقطه مقابل کارهایی را بیشتر و قوی‌تر از گذشته پیگیری کرده و به اهمیت آن پی ببرد. خنداندن مردم با مسخره کردن یک انسان که احتمالاً ضعیف‌تر از دیگران است و

شکستن قلب وی مطمئناً یکی از گناهان کبیره است که بر آن وعده عذاب داده شده است، پس چقدر خوب است کمی در این باره بیندیشیم و با توجه نمودن به عذاب گناهان در عالم آخرت و قیامت از همه گناهان به خصوص این گناه بنیاد افکن بپرهیزیم. مفسر بزرگ قرآن کریم مرحوم فیض کاشانی در این زمینه می‌نویسد:

هدف تو از تمسخر دیگران آن است که افراد را در نظر جمع خوار و ذلیل کنی، اما نمی‌دانی که با ارتکاب این عمل خود را در پیشگاه مقدس باری تعالی و انبیای الهی و فرشتگان مقرب کوچک نموده‌ای و اگر مقداری راجع به آه و حسرت آن روز بزرگ به خاطر گناهی که در دنیا مرتکب شده‌ای تفکر کنی و شرمندگی و خجالت آن روز را در نظر بگیری و بار گناه کسانی که استهزاء نموده‌ای حمل کنی بدون شک این اندیشه مقدس تو را از رنجاندن دیگران به وسیله مسخره کردن و خوار کردن آنان باز می‌دارد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۴۱)

اما روز قیامت محل فاش شدن رازهای پنهان خلاف کاران است آن گونه که قرآن کریم در آیه ۴ سوره زلزله می‌فرماید که زمین دهان باز کرده و اخبارش را بازگو می‌کند و پیامبر اسلام ﷺ در تفسیر آیه فرمودند: «منظور از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را که روی زمین انجام گرفته خبر می‌دهد و می‌گوید: فلانی در فلان روز فلان کار را انجام داد، این است خبر دادن زمین».(همان، ج ۵: ۳۵۸)

چون استهزاء نوعی ظلم است، در روز قیامت برای جبران آن از کارهای خوب و شایسته ظالم برداشته به حساب مظلوم می‌گذارند و یا از گناهان مظلوم برداشته و بر ظالم حمل می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «در قیامت، بنده‌ای که کار خوب بسیار دارد، در حالی که خوشحال است، وارد محشر می‌شود. ناگهان شخصی از راه می‌رسد و می‌گوید: خداوند این شخص [در دنیا] به من ظلم کرده است. پس از کارهای نیک او گرفته به آن مظلوم داده می‌شود، تا جایی که کار خوب و حسنه‌ای برای بدهکار باقی نمی‌ماند، ولی هنوز طلبکار راضی نشده و حقش را طلب می‌کند. آن‌گاه از گناهان طلبکار برداشته، به بدهکار می‌دهند؛ تا آنجا که شخص بدهکار که به کارهای خوب خود دلخوش کرده و بهشتی بود، جهنمی می‌شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۳۰)

## ۲.۱. خود را جای دیگران قرار دهیم

از آنجا که مردم از نظر استعدادها، توانایی‌ها، شرایط اجتماعی و فرهنگی و مهارت‌های شخصی با هم فرق دارند، طبیعتاً وجود تفاوت‌های فردی، در رفتارهایشان قابل انتظار خواهد بود. تفاوت مردم در استعداد و توانایی‌های جسمانی و عقلانی، طبیعتاً منجر به تفاوت در کار و کسب و تحصیل علم و حق طلبی و عدالت خواهی آنان می‌شود که نتیجه آن تفاوت وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها خواهد بود. (نجاتی، ۱۳۶۷: ۳۴۸)

توجه کردن به این تفاوت افراد با هم در شخصیت، حالات روحی و نیز رفتارهای شخصی باعث می‌شود به حریم دیگران احترام بگذاریم و نقاط ضعف افراد را مورد تمسخر قرار ندهیم. کسی که دیگران را مسخره می‌کند اگر لحظه‌ای و زمانی بسیار اندک خود را به جای فرد مسخره شده در جمع قرار دهد و حالات روحی و روانی را که برای او ایجاد می‌شود دریابد و میزان درد و رنج او را کمی حس کند، بدون شک از ارتکاب چنین عملی دست کشیده و پشیمان می‌شود.

این قاعده کلی در بسیاری موارد دیگر هم صادق است، مثلاً به زن و شوهرها توصیه شده خود را جای فرد مقابل قرار دهند تا دشواری کارها و مسئولیت‌های آن‌ها را درک کرده و کار آن‌ها را کم و ناچیز نینگارند. حتا در مورد فرزندان آورده شده که والدین خود را به جای فرزند خود قرار داده و حالات روحی او را در برخورد با مسائل در نظر بگیرند. قطعاً انسان توانایی انجام این کار را دارد که خود را در موقعیت افراد مختلف قرار داده و حال آنان را درک کند و این روشی بسیار مناسب در تعامل با دیگران است.

## ۳.۱. توجه به عیوب خویشان

انسان عاقل آن است که توجه به عیوب خود او را از توجه به عیوب دیگران باز دارد، زیرا مطمئناً عیب‌ها و نقص‌های ما آن قدر زیاد است که تا آخر از عهده شناسائی و رفع آن‌ها بر نمی‌آییم و زمان کم می‌آوریم، پس عاقلانه‌ترین کار همان است که به خود پرداخته و از دیگران و توجه به عیوب آن‌ها دوری کنیم، زیرا یکی از روش‌های استهزاء و تمسخر دیگران همان عیب‌جویی کردن از آنان است و نیز گناهان دیگر مانند غیبت هم از همین سرچشمه می‌گیرد که فرد بیش از حد در مورد دیگران کنجکاو باشد و حرف بزند چه پشت سر آن‌ها و چه پیش روی آنان.

پیامبر ﷺ فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ مَنَعَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ؛ خوشا به حال کسی که عیوب خودش، او را از عیب‌های برادران ایمانی او باز دارد». (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۲۹)

نیز امام باقر علیه السلام فرمود: «كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ؛ همین عیب برای انسان کافی است که چیزی را در خود نمی‌بیند در دیگران ببیند و نسبت به عیب دیگران بینا و به همان عیب از خود، کور باشد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹: ۳۹۳)

و در فرمایشی دیگر حضرت علی علیه السلام فرمودند: «من عمی عن زلته إستعظم زلّه غیره؛ هر کس عیب خودش را نبیند و نسبت به آن کور باشد، لغزش دیگری را بزرگ می‌شمارد». (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۳۹) لذا به جمله گفته شده در عنوان برمی‌گردیم که انسان باید سر در گریبان خود فرو برد و همواره مشغول خود و نفس خود و سازندگی خویشتن خویش باشد.

## ۲. راهکارهای مقابله با استهزای مسخره کنندگان

بعد از بیان راهکارهای که فرد مؤمن را از تمسک به عمل غیر اخلاقی استهزاء باز می‌دارد اینک به بحث اصلی می‌پردازیم که اگر زمانی خود ما در معرض تمسخر دیگران از جمله مؤمنان دیگر و یا حتا دشمنان دین و اعتقادات قرار گرفتیم باید چه عکس العملی از خود نشان دهیم و قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام چه راه‌حلهایی را در این هنگام پیش روی ما می‌گذارند؟

این موارد در دو قسمت جای می‌گیرد؛ یکی آمادگی‌های روحی و ابزارهای نظری، درونی و روانی برای مبارزه با استهزاء و تمسخر است و دومی هم رفتارهای عملی خاص در این تقابل است که در ادامه به هر دو آن‌ها می‌پردازیم.

### ۲. ۱. آمادگی‌های روحی مقابله با استهزای مسخره‌کنندگان

به جرئت می‌توان گفت که توجه به مسائل روحی و درونی برای مقابله با استهزاء بسیار مهم‌تر از راهکارهای عملی آن است، زیرا که اینها جنبه مبنا و مقدمه را دارند و تا مبنا درست و استوار نگردد هیچ بنایی روی آن ساخته نخواهد شد و تا مقدمه را حاصل نکنیم به اصل و بدنه مقصد نخواهیم رسید.

فرد دین مدار باید هم عمل کننده به دستورات الهی باشد و هم مبلغ معارف دینی به دیگر انسان‌ها و برای این مقصود لازم است کاملاً خود را از لحاظ روحی آماده کند. باید از پیامبران الهی به خصوص پیامبر گرامی اسلام ﷺ الگو گرفته خود را آماده تحمل سختی‌های ناگزیر در این راه نماید و همه این‌ها را آزمایش الهی بداند و همواره متوجه فلاح و رستگاری نهایی باشد.

### ۲. ۱. ۱. الگو گیری از پیامبر ﷺ و اولیاء خدا

با گذری به گذشته تاریخ می بینیم که تمامی پیامبران خدایی با مشکلات روبه‌رو بوده و با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و تقریباً نمی‌توان کسی از آن بزرگواران را یافت که در طول زندگی خویش با هیچ دشمنی روبه‌رو نبوده و در کمال صلح و آرامش زیسته است. از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام که درگیری و دشمنی شیطان با ایشان و سایر انسان‌ها شروع شد تا انبیای بزرگ و اولی الامر مانند نوح و ابراهیم و عیسی و موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام با پلیدان عالم همچون فرعونیان و نمرودیان و شیطانیان زمان خود در جنگ دائمی و خستگی‌ناپذیر بودند؛ پس دینداران عزیز هم باید بدانند که اگر در مسیر پر فراز و نشیب تبلیغ دین گام گذاشته‌اند از این قاعده مستثنا نیستند. قرآن عظیم الشان در باره مبارزه پیامبران با طاغوتیان می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَرَزِلْوْا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (بقره: ۲۱۴)

«آیا خیال می‌کنید که در بهشت داخل می‌شوید و مشکلات پیشینیان بر شما وارد نمی‌شود؛ آنان دچار سختی و زیان و هول و هراس شدند و زیر و رو گردیدند تا جایی که پیامبر و افرادی که با وی ایمان آورده بودند، گفتند: یاری خدا کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.»

در تفسیر آیه شریفه، طبق روایات تفسیری آمده است که لقمان پسرش را این گونه خطاب کرد: «یا بنی ان الله تعالی یجرب العبد الصالح بالمحن و البلاء کما یجرب الذهب بالنار؛ فرزندم! خدای بنده صالح را به بلا چنان ابتلا کند که زر را به آتش امتحان کنند» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۸۶)

نکته جالب اینکه هر چه در مسیر تبلیغ دین محکم‌تر و قوی‌تر باشیم دشمنی دشمنان هم بیشتر و شدیدتر خواهد بود، لذا در مورد پیامبر گرامی اسلام ﷺ آزار و اذیت از تمامی پیامبران بیشتر بوده است، چنان که قرآن به این مورد به صراحت اشاره دارد و پیامبر ﷺ را تسلی می‌دهد که تنها تو را اذیت نمی‌کنند، بلکه تمام انبیاء پیش از تو را نیز این گونه رفتار نموده اند. در قرآن مجید آمده است: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَىٰٓءَ بِرَسُولٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَامْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾. (رعد: ۳۲)

«بی‌گمان فرستادگان قبل از تو مسخره شدند، پس به کسانی که کافر شدند مهلت دادم، آن‌گاه آنان را به کیفر گرفتم، پس چگونه بود کیفر من؟»

## ۲.۱.۲. دشمن هم اذیت می‌شود

ممکن است یک فرد مؤمن گاهی گمان کند فقط اوست که به انواع مشکلات و مصیبت‌ها گرفتار شده و مجبور به تحمل آن‌ها است و دیگران از جمله کافران و دشمنان وی هیچ رنج و عذابی برای رسیدن به اهداف خود متحمل نمی‌شوند، اما این گمان به وضوح رد می‌شود و چه بسا که دشمنان ما رنج و سختی بیشتری را نسبت به ما تحمل کنند، چون ما اعتماد و اتکایی به خداوند متعال را داریم، ولی آن‌ها پشتوانه چنین خدای بزرگی را ندارند و فقط و فقط برای اهداف مادی خود چنین سختی و رنجی را متحمل می‌شوند به علاوه ما می‌دانیم که برای تحمل این رنج و سختی خداوند متعال به ما اجر و پاداش می‌دهد، درحالی‌که این پاداش برای طرف‌های مقابل ما وجود ندارد.

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿إِنَّ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾. (آل عمران: ۱۴۰)

«اگر به شما آسیب رسیده، آن قوم (کافر) را نیز آسیبی نظیر آن رسیده است و ما این روزها (ی شکست و پیروزی) را بین مردم به نوبت می‌چرخانیم».

در تفسیر آیه شریفه آمده است که خداوند به مؤمنان تسلی می‌دهد که اگر شما از جنگ آسیب می‌بینید و مجروح می‌شوید بدانید دشمنان شما هم مانند شما مجروح می‌شوند، حتا از ابن عباس نقل شده که اگر شما در جنگ احد مجروح و جانباز زیاد داشتید لشکر مقابل هم در جنگ بدر مجروحین زیادی داشتند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۴۳)



### ۳. ۱. ۳. تمسخر را آزمایش الهی بدانیم

بر اساس اعتقاد ما بسیاری از مراحل زندگی ما انسان‌ها و از جمله خود همین زندگی ما در کره خاکی بر مبنای آزمایش و امتحان الهی قرار گرفته است و ما انسان‌ها دائماً در حال آزموده شدن و تمرین برای آن هستیم و این آزمایش برای رشد و تربیت ما لازم است، لذا خداوند ایمان زبانی را از ما قبول نمی‌کند و می‌فرماید آیا شما گمان می‌کنید همین که گفتید ایمان آوردیم و مسلمان شدیم ما شما را رها می‌کنیم و دیگر آزمایش نمی‌شوید؟! بلکه همه شما باید مورد آزمون قرار بگیرید تا راستگویان شما از دروغگویان تان جدا شوند.

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»؛ «آیا پنداشتید که به بهشت وارد می‌شوید، بدون آنکه خداوند مجاهدین و صابریں را بیازماید». (آل عمران: ۱۴۱)

حال باید دانست که همین استهزاء و تمسخر هم یک نوع آزمایش است، منتها هم برای مؤمنان و مبلغان دین و هم برای کسانی که دست به تمسخر می‌زنند، تا آن‌ها برای صبرشان در راه خدا مستوجب بهشت و نعمت‌های خدا گردند و آن‌ها به علت تمسخرشان مستوجب نار و آتش جان سوز جهنم گردند.

خداوند در قرآن کریم چه زیبا می‌فرماید: «فَاتَّخَذَتْهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ \* إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَلَنْهَمُ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ «پس شما آنان را به تمسخر گرفتید تا یاد من فراموشتان شد و شما بر آنان می‌خندیدید. من هم امروز پاداش پایداری آنان را دادم و اینان همان رستگاران‌اند». (مؤمنون: ۱۱۰ و ۱۱۱)

استهزاء نسبت به مؤمنان در اصل مسخره کردن مبادی و معتقدات ایشان است، ولی این مبارزه بعد از به صورت مبارزه‌ای شخصی در می‌آید، تا آنجا که کافران با شخص مؤمنان دشمنی می‌ورزند و هیبت آنان را فرو می‌افکنند و تمام کارها و اقدامات ایشان را حقیر و ناچیز می‌شمارند. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۴۱)

### ۳. ۱. ۴. توجه به رستگاری نهایی

یاد آخرت همیشه یار و یاور مؤمنان بوده و می‌تواند بسیار کمک‌کننده و آرامش‌دهنده خداپاوران باشد همین روایت که می‌گوید دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است چقدر امیدوارکننده می‌باشد، همین طور است که اگر بدانیم که خداوند پیروزی نهایی را برای

مؤمنان و تقوا پیشه‌گان قرار داده است و جالب اینکه این پیروزی هم در دنیا است که زمین را بالاخره در اختیار متقین قرار می‌دهد و هم در عالم آخرت که صبر پیشه‌گان رستگاران اند و تمسخرکنندگان و استهزاء کنندگان آیات الهی و پیامبران و مبلغان دین در اوج خفت و زاری در آتش مأوی می‌گیرند.

چقدر زیبا است که مبلغان همواره با این آیه خود را تقویت کنند که می‌فرماید: ﴿رَبِّنَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛ «زندگی دنیا برای کافران زینت گردید و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و کسانی که پروا پیشه‌اند در روز قیامت برتر از آنانند و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد». (بقره: ۲۱۲)

همیشه افراد بی‌ایمان و دنیاپرست که سخت فریفته زرق و برق دنیا می‌باشند و افق دیدشان از چهار دیواری ماده فراتر نمی‌رود امکانات مادی را مقیاس ارزیابی همه ارزش‌ها می‌دانند و به همین دلیل در فکر کوتاه و علیل آن‌ها کسانی که دستشان از ثروت تهی است فاقد شخصیت هستند، لذا آن‌ها را به باد مسخره می‌گیرند درحالی که صاحب نظران با ایمان که بدین مشت خاک، نظری ندارند، ارزش‌های مادی را در برابر ارزش‌های معنوی بی‌رنگ می‌بینند و به آن‌ها همچون بازیچه کودکان می‌نگرند و اگر طالب مواهب مادی دنیا هستند برای این است که آخرت را در لابه‌لای آن جستجو می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۳)

### ۳. راهکارهای عملی مقابله با استهزاء دیگران

علاوه بر عوامل روحی و روانی در مبارزه با استهزاء و به طور کلی مفاسد اخلاقی می‌توان مواردی را به عنوان راهکارهای عملی در زمینه مقابله با رفتار زشت و ناپسند استهزاء دیگران بیان کرد که بیشتر عنایت به نحوه برخورد با فرد استهزاء کننده دارد و اگر هر فرد مؤمن و مسلمان در موقعیتی قرار گرفت که از طرف فردی یا افرادی مورد مسخره کردن واقع شد و یا مسئله‌ای از مسائل دین و اعتقادی از اعتقادات مقدس مورد هجمه و سخریه بددلان واقع شد تکلیف چیست و در برابر اینان چه باید کرد.

### ۳. ۱. سخن حکیمانه

سخن گفتن به صورت محبت‌آمیز و حکیمانه و با استدلال درست و منطقی گاهی معجزه ای از دارو قوی‌تر دارد و سریع‌تر عمل می‌کند و ممکن است با این نحوه برخورد افرادی که عناد کمتری دارند بسیار سریع متنبه شده و از رفتار زشت تمسخر و استهزاء خود دست بردارند. لذا قرآن مجید همواره بر زبان نرم و سخنان آرام و دلنشین تأکید داشته حتا به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید هنگامی که پیش فرعون می‌روی کسی که ادعای خدایی می‌کند و دشمن‌ترین دشمنان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و خداوند متعال است با نرمی و زبان لین با او سخن بگو و در جای دیگر قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛ «ای پیامبر! مردم را با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین روش مناظره کن». (نحل: ۱۲۵)

این آیه برای همه مسئولین و مربیان و معلمان و اساتید و علما، دستور جامعی می‌دهد که باید آنان برای موفقیت خود با شیوه‌های گوناگونی نسبت به مخاطبان گوناگون خود، مجهز باشند، چرا که همه مردم را نمی‌توان با یک شیوه دعوت کرد. هر شخصی یک روح و ظرفیتی دارد که باید با زبان خودش با او سخن گفت خواص را با حکمت و استدلال و عوام را با موعظه نیکو و مخالفان را با جدال نیکوتر ارشاد کنیم. موعظه نیکو آن است که واعظ به آنچه می‌گوید عمل کند و جدال نیکو آن است که در آن توهین و تحریک غلط احساسات نباشد. (قرآنی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۴۷۴)

و در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾؛ «به بندگانم بگو، بهترین سخنان را بر زبان آورید که شیطان بین شما دشمنی بر می‌انگیزد، زیرا شیطان همیشه دشمنی واضح برای انسان است». (اسراء: ۵۳)

و اما آنجا که خداوند بندگان رحمان را توصیف می‌کند این گونه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾؛ «هرگاه مردم جاهل به آن‌ها خطاب (و عتابی) کنند، با سلامت نفس (و کلام خوش) جواب می‌دهند». (فرقان: ۶۳)

### ۳.۲. رفتار مسالمت‌آمیز و پرهیز از جنجال

نمونه جالب از برخورد پیامبران الهی که می‌تواند الگویی جالب برای همه مؤمنان باشد حفظ آرامش و پرهیز از جنجال درست هنگامی که دشمنان سخنان رکیک بر زبان می‌آورند، است. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

۱. کسانی که با حضرت هود علیه السلام دشمنی داشته اند هنگامی که ایشان را در مقام وعظ و نصیحت می‌بینند به او توهین کرده و با گفتن این جمله ایشان را مسخره می‌کنند: ﴿إِنَّا لَنَرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾؛ «ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌بینیم و گمان داریم که تو سخت دروغ‌گویی». (اعراف: ۶۶)

اما آن حضرت بدون از دست دادن آرامش خود و در کمال وقار از خود رد اتهام کرده و به زیبایی می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ «ای قوم! من سفیه نیستم و لیکن فرستاده خدای عالمیان هستم». (اعراف: ۶۷)

۲. مورد دیگر درباره حضرت نوح علیه السلام است هنگامی که به ایشان می‌گویند: ﴿إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ «ما تو را در گمراهی آشکار یافتیم». (اعراف: ۶۰) و اما جواب آن حضرت را بشنوید که پاسخ می‌دهد: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ «ای مردم! من به هیچ وجه در گمراهی نیستم، و لیکن من رسول پروردگار جهانم». (اعراف: ۶۱)

علاوه بر پرهیز از جنجال بر فرد مؤمن لازم است تا می‌تواند از صحنه‌های خشونت خود را دور کند و تا مجبور نشده است دست به رفتارهای تند و برخوردهای خشن نزند و حتا اگر در آن موقعیت قرار گرفت سعی کند با بزرگواری از کنار آن بگذرد شاید خداوند متعال در همین آرامش هدایت را قرار داده باشد.

خداوند متعال در قرآن مجید آنجا که بندگان رحمان را توصیف می‌کند می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾؛ «و هرگاه به عمل لغوی بگذرند، بزرگواران از آن درگذرند». (فرقان: ۷۲)

آری کریمان و بزرگواران، چون مرور و عبور نمایند و اتفاقاً به معصیت یا امر قبیح و بیهوده‌ای برخوردند به کمال متانت و بزرگواری از آن صرف نظر و چشم‌پوشی کنند و داخل و واقف و خائض در آن نشوند مثلاً اگر ببینند در جایی سازونوازی است وارد نشوند، یا درویشی معرکه گرفته نیستند یا جمعی مشغول بیهوده‌گویی و یاوه‌سرایی‌اند با آن‌ها شرکت ننمایند و با آقا منشی و

بزرگی رفتار نمایند و از آن بگذرند و وقتی بخواهند لفظ قبیحی ذکر نمایند مانند نام مخصوص عورت به کنایه از آن تعبیر نمایند. (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۹۴)

### ۳.۳. پند و اندرز

از مهم‌ترین اقدامات در برخورد با استهزاء و تمسخر دیگران آن است که با زبان بسیار نرم و ملایم به نصیحت و موعظه و اندرز دادن سعی کنیم فرد مقابل را به زشتی عملش آگاه سازیم، زیرا ممکن است آن فرد اصلاً معاند و دشمن دین و مقدسات نباشد و اگر ما با تدرویی و خشونت با او برخورد کنیم چه بسا نتیجه عکس دهد و از یک فرد معمولی که قصد شوخی و خنده داشته، یک انسان دشمن و معاند بسازیم و رفتار اشتباه او را با اشتباه بزرگ‌تر جواب داده‌ایم، اما باید دانست که زبان نرم و ملایم معجزه می‌کند و دل‌ها را به سمت خود می‌کشد، حتی اگر آن فرد سخت‌دل و کینه‌جو باشد که نمونه‌های آن در برخوردهای معصومین علیهم‌السلام با دشمنان کم نیست. در اینجا لازم است به داستان حضرت شعیب با قومش اشاره کنیم و نحوه برخورد زیبای آن حضرت را سرلوحه کار خویش قرار دهیم.

وقتی قوم شعیب علیه‌السلام ایشان را که در حال تبلیغ دین خدا بود به باد مسخره گرفتند و استهزاء نماز را پیش کشیدند و گفتند: ﴿قَالُوا يَشْعِيبُ أَسْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ ءِآبَاؤُنَا﴾؛ گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم؟ (هود: ۸۷)

اما حضرت شعیب علیه‌السلام با زبانی بسیار نرم و دل‌سوزانه مانند پدری مهربان با آنان سخن گفت و فرمود:

﴿قَالَ يَقَوْمِ ... إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ \* وَ يَقَوْمِ لَا يُجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نوحٍ أَوْ قَوْمَ هودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لَوْطٍ مِنْكُمْ بَعِيدٌ \* وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدودٌ﴾؛ گفت: ای قوم! به من بگوئید، هر گاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟! من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح- تا آنجا که توانایی دارم- نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛

و به سوی او بازمی‌گردم! و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! از پروردگار خود، آمرزش بطلبید و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است! (هود: ۹۰-۸۸)

شعیب عَلَيْهِ السَّلَام با این جملات می‌خواهد بگوید من در این کار تنها انگیزه معنوی و انسانی و تربیتی دارم، من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید و همیشه انسان دشمن چیزی است که نمی‌داند. جالب توجه اینکه در این آیات تعبیر یا قَوْمِ (ای قوم من) تکرار شده است، به خاطر اینکه عواطف آن‌ها را برای پذیرش حق بسیج کند و به آن‌ها بفهماند که شما از من هستید و من هم از شما (خواه قوم در اینجا به معنی قبیله باشد و طایفه و فامیل و خواه به معنی گروهی که او در میان آنها زندگی می‌کرد و جزء اجتماع آنها محسوب می‌شد). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۸)

مشاهده می‌کنید که شعیب عَلَيْهِ السَّلَام خود را کاملاً در قامت دوست و نزدیک و خیرخواه آنان قرار می‌دهد و هرگز آنان را عتاب و خطاب نمی‌کند و در نهایت هم می‌فرماید اگر شما با من دشمنی دارید مراقب باشید که با خدا و دین او دشمنی نکنید که به سرنوشت قوم نوح دچار نشوید و در پایان از آن‌ها می‌خواهد از خدا طلب مغفرت و آمرزش کنند که خداوند بسیار مهربان و توبه‌پذیر است.

حتا خداوند متعال که خالق همه انسان‌ها است که به آن‌ها مهربان و رؤوف است نیز در قرآن با بندگان به نرمی و خوبی و مهربانی سخن گفته و می‌فرماید قبل از رسیدن عذاب قیامت از دستورات دین پیروی کرده و از گناهان و خطاها دست برداشته و تمسخر و استهزاء را رها کنند: ﴿قُلْ يٰعِبَادِی... وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَیْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ \* «آن تقوّل نفسُ یحسرتی علی ما فرطت فی جنب اللّهِ و ان کنت لمن السّخرین»؛ و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید! این دستورها برای آن است که (مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!» (زمر: ۵۵ و ۵۶)

### ۳.۴. دور شدن از مجلس استهزاء

اما مرحله بعدی و گام دیگر در برخورد با مسخره‌کنندگان در صورتی است که آرامش و رفتار دوستانه و نصیحت و اندرز و خیرخواهی جواب نداد و دست از رفتار زشت خود برنداشتند آن است که مجلس گناه را ترک کنید و به این ترتیب اعتراض خود را نسبت به این رفتار با ترک جلسه نشان دهید که چه بسا عده‌ای از مردم با این حرکت متنبه شوند و از عمل خویش پشیمان گردند. علاوه بر این مطلب نفس نشستن در جایی که گناه صورت می‌پذیرد و اعتقادات و اصول دین و مکتب به سخریه گرفته می‌شود شرعاً جایز نمی‌باشد.

قرآن به صراحت در این باره می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَعَدَّ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛ «هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آن‌ها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین».(انعام: ۶۸)

این دستور صریح قرآن است بر ترک مجلسی که در آن به استهزاء آیات الهی پرداخته می‌شود، حتی می‌فرماید در صورتی که شیطان تو را به فراموشی بیندازد هرگاه به یاد آوردی سریع از آن محل و مجلس کناره‌گیری کن و عجیب تر آنکه شرکت کننده در این مجلس حکم همان مسخره کننده را دارد و کاملاً در گناه او شریک است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً﴾؛ «البته خداوند در کتاب بر شما نازل کرده که چون شنیدید به آیات خدا کفر ورزیده و مسخره می‌شود، با آنان منشینید تا به سخنی دیگر وارد شوند و الا شما هم مانند منافقان بوده، خداوند منافقان و کافران را در جهنم جمع می‌کند».(نساء: ۱۴۰)

حقیقت آن است که در چنین جلساتی، افراد مؤمن، هم‌سنگ منافقی قرار می‌گیرند که در حالت تردید و دودلی و تعارض و کمکش روانی است. زمانی که انسان تحت تأثیر دو انگیزه به یکسان نیرومند اما ناهمسو قرار گیرد به طوری که یکی از انگیزه‌ها او را به سوی یک هدف بکشاند و انگیزه دیگر به سمت هدف دیگر، در این صورت انسان حالتی از سرگردانی و تردید را احساس می‌کند، زیرا در صورت حرکت به سمت هر کدام از

اهداف نیروی انگیزه‌ای هدف دیگر شدت می‌گیرد و او را از ادامه حرکت باز می‌دارد، این حالت را تعارض و کشمکش روانی می‌گویند. (نجاتی، ۱۳۸۸: ۳۵)

برای پرهیز از درگیر شدن با حالت تعارض دوری از مجالس تمسخر اعتقادات دینی واجب است و فقط در یک صورت نشستن جایز است و آن هم برای امر به معروف و نهی از منکر است، البته اگر ممکن باشد و تأثیرگذار که در جایگاه خود بحث خواهد شد.

### ۳.۵. دشمنی با استهزاءکنندگان و نپذیرفتن ولایت آنان

راهکار مهم دیگر در مبارزه با استهزاءکنندگان، قهر کردن و رابطه نداشتن و نپذیرفتن دوستی و ولایت آنان است. در صورتی که می‌دانیم نصیحت و خیرخواهی برای آن‌ها فایده‌ای ندارد و نیز دوری از مجالس آن‌ها به طور موقت هم تأثیرگذار نخواهد بود باید وارد فاز خشن‌تر شد و به طور دائم با آن‌ها قطع رابطه نمود، حتی اگر این رابطه داشتن به نفع ما باشد و از لحاظ موقعیت اجتماعی یا سیاسی یا اقتصادی برای ما سودآور باشد، ولی لازم است برای حفظ دین و مصالح دینی به این مهم همت گماریم و نه تنها با آنان دوستی نکنیم که برعکس در جای لازم با آن‌ها دشمنی کرده و به یاری دین خدا بشتابیم.

خداوند در قرآن مجید حتی شرط ایمان را این قرار داده که با اهل کتاب و مشرکان که مسخره‌کنندگان آیات الهی هستند رابطه دوستی برقرار نکنید یا اگر هم رابطه دارید این رابطه را سریع و برای همیشه قطع کنید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مَوْمِنِينَ \* وَإِذَا نَادَيْتُم إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند از اهل کتاب و مشرکان، ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید آن‌ها هنگامی که (اذان می‌گویید و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آن‌ها جمعی نابخردند». (مائده: ۵۸-۵۷)

در شأن نزول این آیه گفته شده که تعدادی از یهودیان و مسیحیان همین که صدای اذان را می‌شنیدند و سپس مسلمانان را می‌دیدند که در حال نماز چگونه رفتارهایی دارند به استهزاء و تمسخر آنان می‌پرداختند، درحالی که خود آنان به خلاف مشرکین دارای مناسک عبادی بودند و با این آداب و رسوم آشنا بودند، اما برای تضعیف روحیه مسلمانان این عمل ناشایست را انجام می‌دادند. قرآن هم با بیان این آیه مسلمانان را از دوستی و



حرف زدن با آنان بر حذر داشت. بنا بر این از آیه شریفه در مورد نهی از محبت و دوستی کفار چند چیز را می‌توان استفاده کرد:

اولاً علت نهی از محبت کفار این بوده است که چون دوستی بین دو طایفه باعث اختلاط ارواح آنان است و هرگز بین دو طایفه که یکی مقدسات و معتقدات دیگری را مسخره می‌کند و دیگری مؤمن به آن‌ها، دوستی و صمیمیت برقرار نمی‌ماند، از این رو مسلمین باید دوستی کسانی را که اسلام را به سخریه می‌گیرند ترک کنند و زمام دل و جان خود را به دست اغیار نسپارند، و گرنه اختلاط روحی که لازمه دوستی است باعث می‌شود اینان عقاید حقه خود را از دست بدهند.

ثانیاً تناسبی که در مقابله جمله «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» با جمله «الَّذِینَ اتَّخَذُوا» است و نیز نکته‌ای که در اضافه دین مسلمین در کلمه «دینکم» هست آن چرایی را که گفته شد روشن می‌سازد.

ثالثاً نکته دیگری که از آیه استفاده می‌شود این است که در جمله «وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ الْمُؤْمِنِینَ»، چیزی نظیر تأکید برای نهی در جمله «لا تتخذوا» وجود دارد که نهی و علتش را تأکید می‌کند، در حقیقت جمله «لا تتخذوا» را به عبارت عمومی‌تری تأکید کرده، می‌فرماید: مؤمن و کسی که متمسک به ریسمان و دست‌آویز ایمان شده دیگر معنا ندارد راضی شود به اینکه اغیار، دین او و آنچه را که او به آن ایمان دارد مورد سخریه و استهزاء قرار دهند. پس این مسلمین اگر ایمان به خدا دارند یعنی راستی اسلام را دین خود- نه وسیله گذراندن امر دنیایشان- می‌دانند چاره‌ای در کار خود جز تقوا و پرهیز از دوستی با کفار ندارند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۳۸)

اگر امروزه هم مسلمانان به خود آیند و خود را عزیز بدانند و در گروی دنیا و مظاهر آن نباشند هرگز دشمنان و کفار را از یهود و مسیحی آنان که به تمسخر مقدسات ما می‌پردازند به عنوان دوست انتخاب نمی‌کنند و حتا با آنان دشمنی منصفانه و عادلانه می‌کنند.

### ۳.۶. صبر و استقامت در راه خدا

اما مرحله آخر و قدم پایانی در راه مبارزه با استهزاء همانا صبر و استقامت در راه خداوند و متعال و تحمل سختی‌های موجود در این مسیر می‌باشد. در قرآن کریم صبر برخی مؤمنان را در برابر دشمنان را به نیکی یاد کرده و آن را لایق جزا و پاداش می‌داند

و با این گفتار به صبر صابران می‌افزاید، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّهٗ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامِنًا... فَأَتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوَكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ\* إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ «(فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگانی می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگانی، اما شما آن‌ها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند و شما به آنان می‌خندیدید، ولی من امروز آن‌ها را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آن‌ها پیروز و رستگارند». (مؤمنون: ۱۱۱-۱۰۹)

در جای دیگر خداوند دستور صبر را به پیامبر ﷺ می‌دهد و می‌فرماید این صبر را با یاد و تسبیح خداوند متعال همراه کند در صبحگاهان و شامگاهان و این گونه خطاب می‌کند که: «فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ ءَانَايِ الْاٰلِیْلِ فَسَبِّحْ وَ اطْرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰی»؛ «پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن، تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی، باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی». (طه: ۱۳۰)

منظور از «مايقولون» همان آزارها و اذیت‌های کفار و مشرکان است که پیامبر را با کلماتی مانند مجنون، ساحر، شاعر و کاهن خطاب کرده و این گونه آن حضرت را استهزاء و مسخره می‌کردند، اما باید دانست که این دستور خاص پیامبر ﷺ نیست و برای نمونه و به عنوان مصداق اکمل بیان شده است و در این مورد هم پیامبر ﷺ اسوه و الگوی ماست و امام ما در راه صبر و استقامت شیوه و منش و زندگی پیامبر ﷺ است.

بعد از بیان این راهکارهای مهم در این رابطه لازم است موردی دیگر را نیز که برخی مفسران به عنوان راه حل پایانی در نظر گرفته‌اند و آن راه حل مقابله به مثل است، ذکر کنیم (جمعی از محققین، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۸۸-۱۷۹)

معنی مقابله به مثل این است که اگر کسی دین و معتقدات ما را به مسخره و استهزاء گرفت ما هم حق داریم به عنوان پیروان دین به دفاع از آن پرداخته و به آن‌ها حمله کنیم و به استهزاء آنان یا به استهزاء اعتقادات آن‌ها بپردازیم.

از جمله این مفسرین علامه طباطبایی است که استهزاء را فقط زمانی زشت و ناپسند می‌داند که شخص ابتداکننده به این عمل باشد، اما اگر کسی استهزاء را شروع کرد و در

مقابله به مثل هدف عقلایی و منطقی قابل توجه وجود داشته باشد می‌توان به این راه حل هم تمسک کرد. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۲۲۵) و برای این نظر به آیه‌ای از قرآن هم استناد کرده‌اند که نوح در برابر مسخره‌کنندگان این گونه می‌فرماید: «قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ»؛ «اگر ما را مسخره کنید ما نیز شما را مسخره خواهیم کرد». (هود: ۳۸) حضرت نوح در برابر دشمنان و مسخره‌کنندگان می‌گوید ما هم شما را به تمسخر می‌گیریم.

البته برخی دیگر از مفسرین می‌گویند مقابله به مثل تنها در زمانی درست و کارآمد است که به دشمنی فرد مسخره‌کننده کاملاً یقین داشته باشیم و جز این راه هیچ راه حلی منطقی و مفید و راهی برای اصلاح و توجه استهزاء کننده به اشتباهش نباشد. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۲۷: ۲۴۴)

اما همان طور که قبلاً هم اشاره کردیم به نظر نگارنده استهزاء یک عمل ظالمانه است و در هیچ شرایطی در این دنیا نمی‌تواند مفید و سازنده باشد و ظلم و قبح آن ذاتی است و امکان ندارد در شرایط خاص و موارد خاص استثناء بردارد چون استهزاء به معنی مسخره کردن افراد و خوار و ذلیل کردن در هیچ تصویری درست در نمی‌آید و اما آنچه که برخی از دین‌پژوهان مطرح کرده‌اند که استهزاء به صورت مقابله به مثل از طرف دین‌داران انجام گرفته است مانند سخن حضرت نوح که فرمود اگر شما ما را مسخره کنید ما هم شما را مسخره می‌کنیم در حقیقت نوعی طرد کردن دشمنان به جهت دشمنی آن‌ها با مقدسات است و با این طرد و دور کردن در حقیقت از مقدسات دفاع می‌کنیم و این کار حفاظت از دین است، به هر حال اسم آن را هر چه بگذاریم نمی‌توان آن را استهزاء نامید.

اما آن تعابیر که می‌گویند مؤمنان هم دشمنان را مسخره می‌کنند و یا خداوند متعال کافران و منکران را مسخره می‌کند مربوط به دنیای آخرت است که تکلیف برداشته می‌شود و دیگر نیاز نیست به یک سری قوانین وضعی پایبند باشیم آن گونه که در این دنیا مؤمنان پایبند این دستورات هستند و هرچه که دشمنان به تمسخر پردازند، اما مؤمنان حق این کار ناپسند را ندارند. و الله العالم

## نتیجه‌گیری

استهزاء و سخریه هر دو به معنی مسخره کردن است به منظور تحقیر و خواری افراد که یا به جهت دشمنی با آن‌ها و اعتقادات آن‌ها انجام می‌شود و یا به جهت شوخی و خنده و نوعی رذیله اخلاقی به حساب می‌آید و به خلاف عده‌ای از محققین که معتقدند گاهی مؤمنان هم باید از روش استهزاء ممدوح استفاده کنند و از فواید آن بهره ببرند ما معتقدیم که این عمل به هیچ عنوان نمی‌تواند ممدوح واقع شود و فقط در آخرت و عالم باقی است که ما هم می‌توانیم به دشمنان خود بخندیم و آنان را مسخره کنیم همان گونه که خداوند متعال تمسخرشان می‌کند و اجازه داده است. طبق آیه ۱۱ سوره حجرات که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین آیه برای حرمت استهزاء و تمسخر است و نیز با توجه به احادیث اسلامی، درمی‌یابیم که تمسخر به تمامی انواع آن حرام و باطل است و آثار سوء فراوان دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی دارد که توجه به آن‌ها و نیز توجه به خواستگاه و انگیزه‌های عمل استهزاء و اینکه این گناه کبیره با چند گناه دیگر از قبیل غیبت، تهمت، آزار و اذیت افراد، عیب‌جویی، نیش و کنایه‌زدن و طعنه زدن و موارد دیگر همراه است، ما را به زشتی و قبح این عمل واقف کرده و موفق بر ترک راحت تر آن می‌نماید. مهم‌ترین و ارزشمندترین نکته اینکه دین مبین اسلام راهکارهای بسیار هوشمندانه و مؤثری را در مبارزه و مقابله با استهزاء و تمسخر پیش پای ما گذاشته است که توجه به همه آن‌ها می‌تواند منشوری جاوید در متن فرهنگی گفتاری و رفتاری ما مسلمانان قرار بگیرد.

## منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالکلم، هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تقفی تهرانی، محمد (۱۳۸۶)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ج ۳، تهران: انتشارات برهان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ویراستار: عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۱۰، قم: انتشارات کتابچی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۲)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۱، قم: انتشارات شکرانه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جمعی از مترجمان، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۳ / ۱۴۱۵ق)، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۸۳ق)، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۸۵)، روش های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ج ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۴)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد(۱۳۸۷)، حکم النبی الاعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- مدرسی، محمد تقی(۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، ترجمه من هدی القرآن، احمد آرام، مهشد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۹، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نجاتی، محمد عثمان(۱۳۸۸ / ۱۹۱۴م)، حدیث و روان‌شناسی، ترجمه الحدیث النبوی و علم النفس، حمید رضا شیخی، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نجاتی، محمد عثمان(۱۳۶۷)، قرآن و روان‌شناسی، عباس عرب، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.